

#### سبک‌معیشت



**چگونه اعتیاد به وام گرفتن، زندگی ما را در محاصره قسط‌ها ویران می‌کند؟**

# دامِ وام

حسین فرامرزی
«آدم زودتر از آنچه تصور می‌کند به محاصره درمی‌آید. چشم باز کردم و دیدم زندگی‌ام به محاصره قسط‌ها درآمده است. آدم وقتی وام می‌گیرد چهره واقعی وام را نمی‌بیند به خاطر همین

گرفتن وام شیرین به نظر می‌رسد اما این شیرینی، فریبنده است واگر اصرار داشته باشی نبض زندگی و مدیریت مالی‌ات را به دست وام‌ها بسیاری به یک جایی می‌رسی که راه پس و پیش برایت نمی‌ماند.

انگار در یک باتلاقی گیر کرده‌ای و دور و پرت تمساح‌ها حلقه محاصره را تنگ‌تر می‌کنند. امروز واقعا این حس را دارم.»

آنچه خواندید بخشی از تجربه تلخ علی، کارمند یک اداره در تهران است؛ کارمندی معمولی که مثل خیلی از کارمندان و کارگران در برهه‌ای از زندگی به سمت وام‌های مکرر رفته، به این امید که گرهی از کار فریبستاش باز شود اما اینک اقساط سرسام آور وام‌هایی که گرفته پلاچ جانش شده‌اند.

■ **آدم‌هایی که معتاد وام می‌شوند**

تجربه این کارمند در کلانشهر تهران احتمالاً شباهت بسیاری به تجربه اغلب ما دارد. افرادی که درآمدی با بالایی ندارند و می‌خواهند کسری بودجه خانواده را با وام‌ها جبران کنند. این ترند البته در کوتاهمدت برای چند ماه یا یکی دو سال جواب می‌دهد، اما اگر فکری به حال این کسری نکنید مدیر مالی خانواده را با سندروم اعتیاد به وام روبه‌رو می‌کند، که مثل هر اعتیادی آثار مخرب و وحشتناک دارد. اما سندروم اعتیاد به وام چیست، علی، حرف‌های ملموس و شنیدنی در این باره دارد: «به نظرم خیلی از ما تصویر درستی از وام گرفتن نداریم یعنی آن لحظه آن بخش احساسی و غیرمنطقی ذهنمان بیشتر فعال است، چشممان به آن پول قلبیه‌ای می‌افتد که قرار است به حسابمان واریز شود. انگار آن بخش حساب و کتاب مغز تعطیل شده باشد. آدم به این فکر نمی‌کند که این وام با چه درص و چه پهرای به حسابش می‌آید و قرار است چه سودی بابت این وام به بانک پرداخت کند. وقتی آدم عادت می‌کند به وام گرفتن، درواقع عادت می‌کند که پشت صحنه زندگی‌اش پیش این و آن فاش شود. اوایل سخت است به این و آن رو بزنی که ضامن وام تو شوند. «نه شنیدن» سخت است، اما عادت می‌کنی. انگار داری یک کار موظفی اداری را انجام می‌دهی، بنابراین حاضری سختی‌های جور کردن ضامن‌ها و فاش شدن پشت صحنه زندگی‌ات را به جان بخری، مثل معنادی که حاضر است به هر دری بزند تا آن مواد لعنتی را جور کند، حتی اگر مجبور شود فلک بچهاش را بشکند.

■ **بلعیدن زندگی در تلسلسل باطل وام**

نکته کلیدی دیگری هم در این میان وجود دارد که از زبان برخی از وام‌گیرنده‌ها شنیده‌ایم. اوایل وقتی وام می‌گیری این وام را برای خرید کالا یا درمان یا ازدواج می‌خواهی اما به‌تدریج که چوب‌خط وام‌هایت بیشتر و بیشتر می‌شود کار به جایی می‌رسد که این باز وام می‌گیری به خاطر اینکه قسط وام‌های قبلی‌ات را پرداخت کنی و این تلسلسل باطلی است که زندگی یک فرد را می‌بلعد، بنابراین نباید اجازه بدهی که وجه اعتیادی‌وام، زندگی‌ات را به مخاطره بیندازد. سوال این است: چه کنیم که معتاد به وام گرفتن نشویم؟

■ **وام نگیرید، فقط به خاطر اینکه وام گرفته باشید**

اولین و مهم‌ترین نکته در وام گرفتن این است که واقعاً بدانی برای چه می‌خواهی وام بگیری. شاید این سخن برای بسیاری قابل هضم نباشد، اما واقعیت آن است که گاهی ما وام می‌گیریم چون دیگران وام گرفته‌اند. همین که اذرا مان یا فلان بانک قرار داد پرداخت وام امضا کرده و کارمندان دیگر وام می‌گیرند من نیز احساس می‌کنم نباید در این مسابقه یک بازنده باشم. مثال معروفی است که کتند چاله برای خرج کردن پول ساده است اما عکس این قضیه صادق نیست، یعنی برگرداندن پول‌ها به این سادگی‌ها نیست، بنابراین اگر می‌خواهید وام بگیری حتما بررسی کنید که این وام گرفتن دلایل منطقی و مستدلی داشته باشد و یک نیاز کاملاً واقعی را پوشش دهد. از طرف دیگر توجه کنید وام گرفتن به خاطر وام گرفتن نباشد، یعنی این طور نباشد که وام بگیریم برای اینکه وام گرفته

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱



اگر یکی از ابزارهای مهم مدیریت زندگی را تمرکز ذهنی بدانیم تردیدی به خود راه ندهید که گرفتن وام‌های متعدد برای مدیریت مالی، تمرکز ذهنی شما را آرام آرام به هم می‌ریزد، بنابراین توان فکر کردن در دست را از شما سلب خواهد کرد. ذهنی که آرام و در سکوت نباشد نمی‌تواند فرز و نشیب‌های زندگی را به‌درستی مدیریت کند و حال حساب‌کنندگی که پیامک‌ها و تماس‌های متعدد بانک‌ها و تهدید به تماس با ضامن‌ها و کسر اقساط از حقوق و حساب آنها مثل یک بهمن زندگی شما را گرفتار کند

یک بهمن زندگی شما را گرفتار کند

است وام‌بعدی هم به وام اول اضافه می‌شود و به این صورت طولی نمی‌کشد که جهنمی واقعی از قسط به روی فرد باز می‌شود و یک بحران واقعی را تولید می‌کند.
■ **خانواده‌هایی که به جای وام گرفتن، راه دیگری را انتخاب می‌کنند**
اگر خانواده با کسری بودجه روبه‌روست منطقی‌ترین شیوه این است که بدون توسل به وام‌های متعدد بتوانیم درآمد هزینه‌ها را به موازنه برسانیم، به این معنا که اگر راهی برای کاستن از هزینه‌ها وجود دارد هزینه‌هایمان را کم کنیم. از طرف دیگر ببینیم آیا می‌توان در آمد خانواده را زیاد کرد؟ در سال‌های اخیر که کشور ما با رکود اقتصادی و رشد تورم قابل توجهی روبه‌رو بوده، وام گرفتن در دسترس‌ترین گزینه جلوی پای بسیاری از ما بوده، اما در این میان خانواده‌هایی هم بوده‌اند که منطقی‌تر به داستان نگاه کرده‌اند، یعنی کاستن از هزینه‌ها و تعریف درآمد‌های تازه. شخصا جوان‌های دانشجویی زیادی را دیده‌ام که در شهر مسافرنکشی می‌کنند تا بار شهریه دانشگاه را خود به عهده بگیرند، دخترانی که در شبکه‌های اجتماعی صفحه‌های ناب رکرداند و هنر دست خود را می‌فروشند، زنانی که با فنادی‌های شهر قرارداد می‌بندند و در خانه کیک و شیرینی می‌پزند، دخترانی که تدریس خصوصی می‌کنند، زنانی که کار پاروقت گرفته‌اند. به نظر می‌رسد این شیوه‌ها بسیار منطقی‌تر از افتادن در محاصره جهنمی وام‌هایی با سودهای ۲۰ درصدی است. از سویی معمولاً جوان‌هایی که تجربه کار دارند نسبت به ارزش پول حساس‌ترند، بنابراین تقاضاهای آن‌ها از پدر و مادرا هم منطقی می‌شود.

■ **دور وام‌هایی با بهره‌های بالا را خط بکشید**
اگر مجبور به گرفتن وام هستید تا آن جایی که می‌توانید دور وام‌هایی با بهره‌های بالا را خط بزنید، به این فکر نکنید که اکنون به راحتی می‌توانید اقساط این وام‌ها را پرداخت کنید، ممکن است چند ماه دیگر در یک تلاطم مالی دیگر مبتدی یا کارتان را از دست بدهید یا اضافه‌کارهایتان قطع شود، در این صورت پرداخت اقساط این وام‌ها به یک چالش جدی تبدیل خواهد شد، بنابراین دست کم از بانک‌هایی وام بگیری که در ازای سپرده‌گذاری، وام‌هایی با بهره کمتر پرداخت می‌کنند.

■ **تسهیلاتی که سرما به‌های اجتماعی را ویران می‌کنند**

اگر یکی از ابزارهای مهم مدیریت زندگی را تمرکز ذهنی بدانیم تردیدی به خود راه ندهید که گرفتن وام‌های متعدد برای مدیریت مالی، تمرکز ذهنی شما را آرام آرام به هم می‌ریزد، بنابراین توان فکر کردن درست را از شما سلب خواهد کرد. ذهنی که آرام و در سکوت نباشد نمی‌تواند فرز و نشیب‌های زندگی را به‌درستی مدیریت کند و حال حساب‌کنندگی که پیامک‌ها و تماس‌های متعدد بانک‌ها و تهدید به تماس با ضامن‌ها و کسر اقساط از حقوق و حساب آنها مثل یک بهمن زندگی شما را گرفتار کند و البته در این صورت پیامدهای ویران‌کننده در روابط دوستانه و خانوادگی نیز گریزناپذیر خواهد بود. دور و بر خود افرادی را می‌شناسیم که روابط خانوادگی، فامیلی و دوستانه آنها به خاطر این نوع چالش‌ها به فروپاشی رسیده یا دچار دست‌اندازهای جدی شده‌اند. درواقع کسی که در دام وام‌های متعدد گرفتار می‌شود به‌تدریج شبکه روابط خانوادگی، فامیلی و دوستان خود را از دست می‌دهد و طبیعی است کسی که چنین سرمایه مهم اجتماعی را از دست می‌دهد نه تنها اشتیاق به توضیح دادن به جای ناکام خواهد ماند بلکه فراتر از مباحث مالی، فرصت جلب اعتماد و همکاری با این شبکه را هم از دست خواهد داد، در صورتی که اگر چنین نبود چه بسا همان فرد از سوی این شبکه دعوت به همکاری می‌شد و به این طریق نه تنها مسئله مالی او حل، بلکه به سرمایه اجتماعی‌اش نیز افزوده می‌شد.

■ **وام گرفتن به مثابه تن دادن به یک جراحی**
فراموش نکنیم گاه در دسترس‌ترین راهکارها بدترین راه‌حل‌ها هستند، بنابراین هروقت یک راهکار در دسترس پیش پای شماست می‌توانید کمی تأمل کنید و فرصت بیشتری به خودتان برای گرویدن به آن راهکار بدهید. وام گرفتن راحتی‌ای است که در ادامه با باز پرداخت پره‌دار معمولاً به یک سختی می‌رسد، درحالی‌که در نقطه مقابل راه‌حل‌های داریم که شاید در آغاز سخت به نظر برسند اما در ادامه شما را به یک راحتی می‌رسانند. یک چرخش شغلی، پیدا کردن شغل دوم، آموختن یک تخصص یا مهاجرت به شهری دیگر در میانه زندگی ممکن است در آغاز سخت به نظر برسد اما معمولاً راهکارهای کارآمدتری هستند و احتمال بالایی دارند که گره‌گشا باشند. بنابراین وام گرفتن را به مثابه یک جراحی به حساب آوری همچنان که پزشکان سعی می‌کنند تا آنجا که می‌توانند به خاطر عوارض سنگین، دست به جراحی زنند و در مرحله اول یک بیماری موضوع را با تجویز دارو و مداخله‌هایی از این دست حل کنند. شما نیز تا جایی که می‌توانید برای حل چالش مالی خانواده به مداخله‌هایی در دو بازه کاستن از هزینه‌ها و افزایش درآمد روی بیاورید، مگر آن که واقعا به این نتیجه برسید که راهی جز تن دادن به جراحی وجود ندارد.

#### سبک رفتار



**تب توضیح دادن و عمل نکردن**

## اگر قرار است بروی برو

## اگر قرار است بمانی بمان

■ **محمد مهر**
به آفتاب نگاه کن، آفتاب توضیح نمی‌دهد که طلوع خواهد کرد. آفتاب فقط طلوع می‌کند. همین! به گیاه نگاه کن، هیچ گیاهی درباره رشد، عطر و گل‌دانش توضیح نمی‌دهد چون شعور موجود در آفتاب یا گیاه می‌داند هر توضیحی در این باره بی‌فایده است.

■ ■ ■

■ **ایبدمی توضیح دادن شبانه‌روزی به همدیگر**

فکر کنید شما کسی را استخدام کرده‌اید یا قرارداد بسته‌اید که دیوارهای محل کار یا خانه‌تان را رنگ کند اما او به جای اینکه کار را انجام دهد هر روز به شما توضیح می‌دهد که رنگ کردن دیوارهای محل کار یا خانه یک ضرورت است. آخر سر شما یا او را خفه می‌کنید یا خودتان را، یا اینکه اگر بسیار خویشتندار باشید به او می‌گویید: «برادر من! اصلاً اگر رنگ کردن دیوار محل کار یا خانه یک ضرورت نبود که من شما را استخدام نمی‌کردم. اصلاً شما برای این، اینجا هستی که کار را انجام بدهی.» راندن یا چرخش مالی بالای حساب بانکی یا هر سنت دیگری، بنابراین در شرایط طبیعی بانک‌ها چندان مایل نیستند به کسانی که پول ندارند وام بدهند و از یک حیث آنها منطقی فکر می‌کنند چون کسی که درآمد بالایی ندارد یا حساب بانکی با چرخش مالی بالا، چطور می‌تواند اقساط وام را بر گرداند، بنابراین منطقی می‌گوید اگر می‌خواهید به کسانی که پول ندارند وام بدهند باید شرایطی را برساند که مسائل شبانه‌روزی در جلسات وام بگیریم چون عکس این قضیه صادق است. اگر پولدار شده‌اید وام بگیری چون کسی که هوش مالی بالایی دارد و پولدار شده می‌داند چطور با پول بانک بازی کند و آن را به یک سرمایه‌بالارزش‌تر تبدیل کند.

■ **تسهیلاتی که سرما به‌های اجتماعی را ویران می‌کنند**
اگر یکی از ابزارهای مهم مدیریت زندگی را تمرکز ذهنی بدانیم تردیدی به خود راه ندهید که گرفتن وام‌های متعدد برای مدیریت مالی، تمرکز ذهنی شما را آرام آرام به هم می‌ریزد، بنابراین توان فکر کردن درست را از شما سلب خواهد کرد. ذهنی که آرام و در سکوت نباشد نمی‌تواند فرز و نشیب‌های زندگی را به‌درستی مدیریت کند و حال حساب‌کنندگی که پیامک‌ها و تماس‌های متعدد بانک‌ها و تهدید به تماس با ضامن‌ها و کسر اقساط از حقوق و حساب آنها مثل یک بهمن زندگی شما را گرفتار کند و البته در این صورت پیامدهای ویران‌کننده در روابط دوستانه و خانوادگی نیز گریزناپذیر خواهد بود. دور و بر خود افرادی را می‌شناسیم که روابط خانوادگی، فامیلی و دوستانه آنها به خاطر این نوع چالش‌ها به فروپاشی رسیده یا دچار دست‌اندازهای جدی شده‌اند. درواقع کسی که در دام وام‌های متعدد گرفتار می‌شود به‌تدریج شبکه روابط خانوادگی، فامیلی و دوستان خود را از دست می‌دهد و طبیعی است کسی که چنین سرمایه مهم اجتماعی را از دست می‌دهد نه تنها اشتیاق به توضیح دادن به جای ناکام خواهد ماند بلکه فراتر از مباحث مالی، فرصت جلب اعتماد و همکاری با این شبکه را هم از دست خواهد داد، در صورتی که اگر چنین نبود چه بسا همان فرد از سوی این شبکه دعوت به همکاری می‌شد و به این طریق نه تنها مسئله مالی او حل، بلکه به سرمایه اجتماعی‌اش نیز افزوده می‌شد.

■ **چرا توضیح دادن ایده طرفدار زیادی دارد؟**

نه تنها اشتیاق به توضیح دادن به عمل کردن در میان عامه مردم که میان سیاستمداران و مقامات عالی یک شهر یا کشور هم می‌تواند طرفداران جدی داشته باشد. اما چرا اینگونه است؟ واقعیت آن است که عمل کردن به یک ایده بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر از طرح آن ایده است. فرض کنید ایده شما این است که به ماه بروید. طرح این ایده در دو سه ثانیه کاملاً امکان‌پذیر است، آن هم در قالب یک جمله کوتاه: من می‌خواهم به ماه بروم. اما حالا می‌خواهید به این ایده جامه عمل ببوشانید. انواع محدودیت‌ها یکی پس از دیگری در برابر شما ظاهر می‌شوند از: محدودیت غلبه بر جاذبه و جداسدن از اتمسفر



**نه تنها اشتیاق به توضیح دادن**

**به جای عمل کردن در میان عامه مردم که میان سیاستمداران و**

**مقامات عالی یک شهر یا کشور**

**هم می‌تواند طرفداران جدی داشته باشد.**
اما چرا اینگونه است؟ واقعیت آن است که عمل کردن به یک ایده بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر از طرح آن ایده است

